

هوش به خودی خود مفهوم جالبی است. همه ما در خلوت خودمان بارها شده است که فکر کنیم باهوش هستیم یا نه! در سال‌های اخیر شاهد توجه بیش از پیش افراد برای تقویت هوششان بوده‌ایم، چنان‌که رغبت روزافزون خانواده‌ها برای تأمین آموزشی که مدعی پرورش هوش است گواهی بر این ماجراست؛ اما شاید برای تعداد زیادی از والدین آینده‌نگر همچنان این سؤال مطرح باشد که منظور از هوش واقعاً چیست.

# هوش

شماره یک



افراد زیادی از جمله آلفرد بینه، تئودور سیمون، اسپنسر، گالتون، گاردنر و ... در طی سال‌های متمادی هوش را مورد بررسی قرار دادند و برای آن تعاریف مختلفی را ارائه کردند. از آن زمان تا امروز در مورد تعریف هوش می‌توان گفت تعریفی که نزد همگان مقبول باشد وجود ندارد و هوش یک سازه فرضی است نه یک خصلت عصب شناختی آدمی؛ به سخن دیگر، هوش یک مفهوم ساختگی است که روانشناسان آن را برای سهولت ارتباط ابداع کرده‌اند و در سالیان اخیر تعاریف هوش عمدتاً دریکی از این سه طبقه جای گرفته‌اند:

یک: تعاریفی که بر سازگاری با محیط تأکید دارند؛

دو: تعاریفی که بر توانایی یادگیری متمرکزند؛

سه: تعاریفی که بر تفکر انتزاعی تأکید می‌ورزند.

با تمام این توضیحات شاید بتوان کامل‌ترین تعریف را از آن وکسلر دانست که هوش را مجموعه شایستگی‌های افراد در تفکر عاقلانه، رفتار منطقی و سودمند و اقدام موثر در سازش دانست. در کل، هوش مقوله‌ای قابل رویت یا احساس شدن نیست، بلکه یک صفت فرضی و یک مفهوم انتزاعی و مجرد است و آثار آن است که مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

